



سازمان آموزش عالی

بسمه تعالی

امتحانات متمرکز عمومی نیمسال دوم ۱۴۰۳-۱۴۰۲

مهر مدرسه

کد تکلیفی:

ساعت برگزاری: ۹ صبح | نمره: ۱۵ | مدت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

کد امتحان:	۲۴۰۲۲/۰۳
تاریخ آزمون:	۱۴۰۳/۰۳/۱۹
عنوان:	اصول فقه (۴)
کتاب:	دروس فی علم الاصول الحلقه الاولى و الحلقه الثانيه فی اسلوبها الثاني
محدوده:	حلقه ثانيه: از ابتدای اصول عملیه تا پایان کتاب
حذفیات:	ندارد

کلمه از نوشتن نام و نام خانوادگی در برگه امتحان و پاسخنامه، خودداری نمایید.

۰/۵

۱- حدیث «کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی» در چه صورت بر براءت شرعی دلالت می کند؟ ص ۱۶۱ و ۱۶۲

- أ) سواءً كان الورد بمعنى الوصول أو الصدور
- ب) اذا كان الورد بمعنى الوجود
- ج) اذا كان الورد بمعنى الوصول
- د) اذا كان الورد بمعنى الصدور

۰/۵

۲- شک در «وجوب روزه رمضان» به دلیل شک در «رویت هلال»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟ ص ۱۷۰

- أ) مکلف به - اشتغال
- ب) مکلف به - براءت
- ج) تکلیف - اشتغال
- د) تکلیف - براءت

۰/۵

۳- مقدار تنجز علم اجمالی به واجب بلحاظ حکم عقل چه مقدار است؟ ص ۱۷۲

- أ) وجوب جامع و هر دو طرف علم
- ب) وجوب هر دو طرف علم
- ج) وجوب به مقدار جامع
- د) وجوب واجب واقعی

۰/۵

۴- عبارت «مکلف صبح یقین دارد که بدنش طاهر است و عصر شک می کند واقعاً صبح طاهر بوده است یا خیر؟» مثال برای کدام قاعده است؟ ص ۱۸۱

- أ) استصحاب
- ب) قاعده یقین
- ج) قاعده مقتضی و مانع
- د) قاعده اشتغال

۰/۵

۵- دلیل عدم جریان استصحاب کلی قسم سوّم چیست؟ ص ۱۹۵

- أ) انتفاء یقین
- ب) انتفاء شک
- ج) عدم اتحاد متعلق یقین و شک
- د) عدم وجود اثر شرعی

۰/۵

۶- اگر موضوع اصل را «عدم علم» بدانیم و شارع نیز اماره را به «منزله علم» قرار داده باشد، وجه تقدم اماره بر اصل چیست؟ ص ۲۰۸

- أ) ورود
- ب) تقیید
- ج) حکومت
- د) تخصیص

۷- با توجه به مسلک مشهور و مسلک حق الطاعه توضیح دهید مقتضای قاعده اولیه هنگام شک در تکلیف چیست؟

۲

ص ۱۵۸

پاسخ: مسلک مشهور همان قاعده قبح عقاب بلایان است به این معنا که عقل حکم می‌کند اگر دلیلی بر تکلیف نداشته باشیم عقاب مولا قبیح است و تکلیف احتمالی منجز نیست.
اما مسلک حق الطاعه می‌گوید نسبت به مولای حقیقی یعنی خداوند متعال عقل حکم به لزوم احتیاط می‌کند حتی اگر احتمال تکلیف بدهد و دلیلی برای اثبات این احتمال وجود نداشته باشد و تنجز تکلیف مشروط به علم به تکلیف نیست.

۸- در روایت: «الوقوف فی الشبهه خیر من الاقتحام فی الهلکه» نظر شهید صدر (ره) در دلالت روایت بر وجوب احتیاط

۲

در شبهات بدویه را بیان نمایید. ص ۱۶۸

پاسخ: معنای کلمه شبهه در این روایت همان معنایی است که در سایر موارد ذکر شده و آن عبارت است از مطلبی باطل که شبیه حق است و روایت ما را از اینکه فریب ادعاهای باطل آمیخته با حق و مشتبه به آن را بخوریم در حذر داشته است و لذا شبهه به معنای شک نیست تا دلالت بر احتیاط در شک در تکلیف داشته باشد.

۹- اگر مکلف ظرف آبی را بنوشد و سپس علم اجمالی پیدا کند به اینکه یا آن ظرف نجس بوده یا این ظرف شیر که

۲

موجود است با ذکر دلیل توضیح دهید آیا پرهیز از ظرف شیر لازم است یا نه؟ ص ۱۷۶

پاسخ لازم نیست از ظرف شیر اجتناب کند؛ زیرا علم اجمالی به تکلیف در صورتی منجز است که بدانیم تکلیف احتمالی چه در طرف اول باشد چه در طرف دوم باشد متوجه ما خواهد شد در حالی که در اینجا علم اجمالی بعد از خوردن ظرف نجس رخ داده پس اگر نجاست در ظرف خورده شده باشد تکلیفی متوجه مکلف نیست؛ بنابراین علم به قدر جامع تکلیف که جامع بین دو طرف است وجود ندارد تا علم اجمالی ما منجز آن تکلیف جامع باشد. (رکن اول مختل است)

۱۰- با توجه به عبارت «فی الشک فی الشرطیه؛ قد یكون الشرط المحتمل بلحاظ المتعلق و قد یكون بلحاظ الموضوع

۲

اعنی متعلق المتعلق» برای هر یک از دو حالت مذکور مثالی بزنید و بگویید طبق نظر شهید صدر چه اصلی در این دو مورد جاری می‌شود؟ ص ۱۷۹

پاسخ: مثلاً اگر مولی بگوید: اعتق رقبه، در اینجا عتق متعلق حکم است و رقبه موضوع آن است. حال اگر شک کنیم هنگام عتق آیا دعا نیز لازم است یا نه شرط به لحاظ متعلق است و اگر شک کنیم آیا ایمان در رقبه لازم است یا نه شرط به لحاظ موضوع است (۱/۵ نمره) و طبق نظر شهید صدر در هر دو مورد برائت جاری می‌شود. (۰/۵ نمره)

۱۱- «استصحاب حکم معلق» را در قالب مثال توضیح دهید. ص ۱۹۳

۲

پاسخ: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود؛ ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است؛ یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه، آن قضیه شرطیه را استصحاب می‌کنیم.

۱۲- «جعل» و «مجعلول» از مراتب حکم را به همراه مثال تبیین نمایید. ص ۲۰۱

۲

پاسخ: جعل عبارت است از تشریح حکم که بر موضوع مقدر الوجود ثابت است (به نحو قضیه شرطیه یعنی اگر موضوع باشد حکم ثابت است) و دلیل شرعی لفظی متکفل بیان آن است مانند: قوله تعالی «ولله علی الناس حجّ البیت من استطاع الیه سبیلاً» که دلالت می‌کند بر جعل یعنی تشریح وجوب حج بر مستطیع (یعنی اگر مستطیع شد حج واجب است). مجعول عبارت است از فعلیت حکم با توجه به فعلیت موضوعش (یعنی با توجه به اینکه موضوع محقق است حکم ثابت است) مثلاً زید مستطیع شده است پس حج بر او واجب است و وجوب حج بر زید مرتبه مجعول حکم است.